

تحلیل مواضع روسیه در قبال کردهای سوریه پس از تحولات ۲۰۱۱

مسعود اخوان کاظمی*
سمیرا اکبری**
علیرضا تارا***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۳

تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۳/۲۳

چکیده

درخواست کردها برای کسب استقلال یکی از عوامل تنش‌زا در درگیری‌های قومی خاورمیانه است. کردها عمدتاً در چهار کشور ایران، سوریه، عراق و ترکیه ساکن هستند و از دیرباز تاکنون با دولت‌های مرکزی این کشورها منازعاتی طولانی را تجربه کرده‌اند. از کردها به عنوان بزرگترین ملت فراموش‌شده و یا به‌عنوان بزرگترین قوم فاقد دولت یاد می‌شود. سقوط رژیم صدام در عراق و همچنین تحولات پس از رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۱ در منطقه خاورمیانه، فرصتی تاریخی را برای ابراز وجود کردها و پیگیری مطالبات تاریخی آنها، به‌ویژه در عراق، سوریه و ترکیه، فراهم ساخته است. بدیهی است که این ابراز وجود، با واکنش‌هایی از سوی دولت‌های مذکور همراه خواهد بود و قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز بر اساس منافع و راهبردهای خود، در این زمینه موضع‌گیری خواهند کرد. مقاله حاضر به بررسی مواضع یکی از مهمترین قدرتهای فرامنطقه‌ای، یعنی روسیه، در قبال کردهای سوریه می‌پردازد. سؤال محوری این پژوهش، این است که «روسیه در قبال کردهای ساکن در سوریه، بعد از تحولات ۲۰۱۱، چه مواضعی را اتخاذ کرده است؟» پس از بررسی و تحلیل وضعیت کردهای سوریه و پیوستی و چرایی مواضع روسیه در قبال مطالبات استقلال‌طلبانه آنها، یافته‌های مقاله نشان می‌دهند که روسیه در جریان بحران سوریه، ضمن تلاش در جهت حداکثری کردن نفوذ و منافع خود در منطقه خاورمیانه، به دنبال آن است که از تجزیه متحد دیرینه خود، یعنی سوریه، جلوگیری کند و بر این اساس، در عین حمایت از کردهای سوریه در نبرد با داعش، سیاست خود را بر مبنای ممانعت از دستیابی آنها به استقلال، قرار داده است. روش تحقیق در این مقاله، از نوع توصیفی-تحلیلی است و تحلیل داده‌ها نیز بر اساس نظریه بازی‌ها صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: روسیه، کردهای سوریه، استقلال‌طلبی، بحران سوریه، نظریه بازی‌ها.

* دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه (نویسنده مسئول).
mak392@yahoo.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه.

samiraakbari1394@gmail.com

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه.

taraalireza70@gmail.com

مقدمه

تا قبل از جنگ جهانی اول، جمعیت کردها در داخل مرزهای سه کشور ایران، عثمانی و روسیه قابل شناسایی بود. پس از شکست دولت عثمانی در این جنگ و تجزیه آن، کردهای مستقر در آن امپراتوری بین سه کشور ترکیه، عراق و سوریه تقسیم شدند. در پیمان سور بین متفقین و عثمانی نیز مقرر شد که به کردها خودمختاری داده شود، اما این وعده‌ها عملی نشد و زمینه را جهت ایجاد شکافی دائمی میان کردها و دولت مرکزی فراهم کرد (بهرامی، ۱۳۸۶: ۲۱۹). در واقع، کردها مردمانی با بیش از ۳۰ میلیون نفر جمعیت هستند که پیش‌بینی می‌شود این جمعیت به سومین گروه قومی بزرگ خاورمیانه تبدیل شود. کردها بزرگترین قوم بدون کشور جهان را تشکیل داده و جمعیت و سرزمین آنها به صورت منطقه جغرافیایی به هم پیوسته‌ای بین کشورهای ترکیه، عراق، ایران، سوریه و نیز بخش کوچکی از آن در شوروی سابق، تقسیم شده است. این مردم با داشتن زبان، فرهنگ و تاریخ متمایز و علی‌رغم تلاش‌هایی که برای حل کردن آنها در هویت ملی کشورهای محل سکونتشان انجام شده است، اکثراً دارای حس قوی هویت قومی هستند که آن را در درون و ماورای مرزهای کشوری که در آن زندگی می‌کنند، حفظ کرده‌اند.

با وجود این، موضوع کردها به صورت گسترده‌ای مورد بحث و بررسی قرار نگرفته و کمتر در مورد آن مطلبی نوشته شده است. منابع موجود بیشتر شامل کردهای ترکیه و عراق است. علیرغم جمعیت زیاد این مردم، دولت سوریه نه تنها هویت کردها را به عنوان جمعیتی بومی یا اقلیتی نژادی به رسمیت نشناخته، بلکه آنها را به عنوان تهدیدی علیه تمامیت ارضی و امنیت ملی خود قلمداد می‌کند. در نتیجه، اقلیت کرد ساکن سوریه بیش از حد مورد سرکوب و اذیت و آزار قرار گرفتند؛ به طوری که حتی صحبت از هویت و زبان و فرهنگ کردی ممنوع و به نوعی مخالفت سیاسی با رژیم تلقی می‌شد. وجود جمعیتی از کردها در سوریه همواره از موضوعاتی بوده که مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. کردهای مقیم سوریه به عنوان یک اقلیت ده درصدی از جمعیت سوریه، سال‌های بسیاری است که جایگاهی در عرصه پژوهش محققان نداشته‌اند. وقوع تحولات اخیر خاورمیانه در سال ۲۰۱۱ موجب شد تا این گروه قومی در کانون توجه قدرت‌های بزرگ قرار گیرد. یکی از این قدرت‌ها روسیه است. لذا در پژوهش حاضر، به دنبال بررسی مواضع روسیه در قبال کردها هستیم. در راستای تحلیل این مسئله، ابتدا به مسئله کردهای سوریه و در بخش بعدی به بررسی بحران سوریه و تأثیر آن بر کردهای سوریه و سپس به مواضع روسیه در قبال کردها پرداخته خواهد شد.

۱. ادبیات و پیشینه پژوهش

در ارتباط با مسئله کردهای سوریه و وضعیت فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی آنان و به‌ویژه نقش و جایگاه آنها در منازعات داخلی اخیر سوریه، کتابی به زبان فارسی وجود ندارد. در عین حال، مقالات پراکنده‌ای به صورتی حاشیه‌ای و در قالبی ژورنالیستی، مباحثی را در مورد کردهای سوریه مطرح ساخته‌اند. بدین ترتیب، مبحث روابط روسیه با کردهای سوریه و تحلیل علل و عوامل این رابطه، در منابع فارسی مورد توجه چندانی قرار نگرفته است.

کریم یلدیز در کتاب خود، تحت عنوان «کردهای سوریه؛ مردم فراموش شده»، هدف از نگارش این کتاب را کمبود منابع مکتوب در مورد کردها مخصوصاً کردهای سوریه می‌داند. در این کتاب به روابط متقابل کردی-سوری و روابط و مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی پرداخته شده است. در واقع، این کتاب عمدتاً بر مسئله حقوق بشر کردها در سوریه تأکید دارد. این کتاب مشتمل بر سه بخش است که در بخش اول خلاصه‌ای از هویت کردها و تاریخ آنها، در بخش دوم تاریخ سوریه و روابط بین‌المللی و منطقه‌ای، و در بخش آخر مسائل و مشکلات پیش‌آمده برای کردها در گذر زمان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. با این حال، به خاطر نگارش این کتاب در حدود چهار سال پیش و عدم توجه به نقش قدرتهای خارجی و به خصوص روسیه در ارتباط با کردهای سوریه، این کتاب کمک چندانی به درک مسئله روابط کردهای سوریه با روسیه نمی‌کند.

دیوید لاورنس فیلیپس در کتاب خود به نام «بهار کردی»، ترجمه آزاد حاجی آقایی، تاریخ سیاسی معاصر کردها و مبارزه آنها را برای حقوق و دولت‌شدگیشان^۱ به تصویر می‌کشد. این کتاب شامل چهار بخش است که در بخش اول به مسئله فروپاشی امپراطوری عثمانی و تقسیم کردها و نادیده گرفتن آنها در جریان معاهدات مختلف، در فصل دوم به کردهای عراق و ترکیه و سوریه، در فصل سوم به پیشرفت‌های کردها و در فصل آخر به مخاطرات و فرصت‌هایی که پیش‌روی کردها قرار گرفته، پرداخته شده است. این کتاب از آنجاکه به مسئله کردها به‌طور کلی پرداخته است، در مبحث مربوط به کردهای سوریه و نقش آنها در منازعه اخیر این کشور چندان قابل استفاده نیست.

نصری و سلیمی در مقاله مشترک خود تحت عنوان «کردهای سوریه؛ الگوی سنجش وزن اقلیت»، بر این عقیده هستند که در پی وقوع بهار عربی و تحولات رخ داده در سوریه، کردها به عنوان یکی از بازیگران مهم مورد توجه قرار گرفته‌اند. کردها در سوریه که در قالب دو جنبش

شورای ملی کردهای سوریه و شورای خلق غرب کردستان عمل می‌کنند، در پی به دست آوردن آزادی و حقوق مدنی برای خودند، اما در این مسیر با دشواری‌های بسیاری روبه‌رو هستند. مقاله حاضر به دنبال آن است تا توضیح دهد که با توجه به پتانسیل‌ها و دشواری‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، کردهای سوریه کدام یک از گزینه‌های ادغام، خودمختاری و استقلال را در پیش می‌گیرند. با وجود اینکه مقاله مذکور ارزیابی‌های مناسبی از وضعیت کردهای سوریه به دست می‌دهد، اما نقش قدرتهای خارجی و به‌خصوص روسیه را در ارتباط با آنها و در منازعه داخلی سوریه مورد توجه قرار نمی‌دهد.

مرادی و همکاران، در مقاله خود با عنوان «امکان‌سنجی اقلیم کردی در شمال سوریه» معتقدند که خاورمیانه در شرایطی وارد هزاره سوم میلادی شده است که هنوز هم مانند جزیره‌ای توسعه‌نیافته و ناامن در جهان باقی مانده است. در این میان، اکراد به عنوان بزرگترین ملت بدون دولت در جهان، همواره هم‌تأثیرگذار و هم‌تأثیرپذیر از بحران‌ها بوده‌اند. وقوع بهار عربی باعث ایجاد شرایط جدیدی شده که کردها را وارد دوران جدیدی از زندگی سیاسی و اقتصادی کرده است. آن‌ها بر این باورند که علی‌رغم تشکیل کانتون‌های سه‌گانه (جزیره، عفرین و کوبانی)، با توجه به موانع ساختاری داخلی و خارجی و نقش بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، تشکیل اقلیم کردی در سوریه در وضعیت مبهمی قرار دارد. این مقاله، در تحلیل دقیق اهداف و منافع روسیه در مداخله در بحران اخیر سوریه، چندان ورود نکرده، ولی در عین حال، به‌خوبی مباحث مربوط به استقلال‌طلبی کردهای سوریه را مورد توجه قرار داده است.

بدین ترتیب، مرور مختصری بر منابع و پیشینه موضوع مورد مطالعه مقاله حاضر، نشان می‌دهد که بررسی مواضع و اهداف روسیه در قبال کردهای سوریه و تحلیل استراتژی‌های روس‌ها در سوریه، کمتر مورد توجه پژوهشگران داخلی واقع شده و لذا مقاله حاضر تلاش می‌کند تا با واکاوی این موضوع، خلأ موجود در این زمینه را تا حدودی پر کند.

۲. چارچوب نظری

پژوهش حاضر، در راستای تحلیل اهداف و مواضع روسیه در قبال کردهای سوریه، از نظریه بازیها کمک گرفته است. نظریه بازی‌ها شکل تخصصی و ریاضی‌شده مدل بازیگر خردمند در نظریه‌های تصمیم‌گیری است. اولین بار این نظریه از سوی امیل بورل ریاضیدان بزرگ فرانسوی در سال ۱۹۲۱ مطرح شد. بعدها دانشمندان دیگری به تکمیل این نظریه

پرداختند. از جمله ریاضیدان مشهور جان فون نیومان، در تلاش برای تکمیل نظریه بازی‌ها در سال ۱۹۲۸ مدعی اثبات قضیه «کم - بیشینه» شد. در همین راستا، نیومان همراه با اسکار مورگنسترن نظریه بازی‌ها را به عنوان روشی دقیق برای تجزیه و تحلیل موقعیت‌های رقابت‌آمیزی که متضمن منافع دوجانبه در زمینه‌های مختلف از جمله اقتصاد و جنگ است، مطرح کردند (سیف‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۷۶). بازی عبارت است از مجموعه تعاملاتی (روابط متقابل) که در آن، تصمیمات بازیگران از نوعی وابستگی و ارتباط متقابل برخوردار است؛ به عبارت دیگر، در تعاملات اجتماعی و گروهی هرگاه مطلوبیت یا سود یک طرف نه تنها متأثر از تصمیم و تلاش خود او، بلکه تحت تأثیر (مثبت یا منفی) تصمیمات و تلاش‌های طرف‌های دیگر نیز باشد، به این مجموعه تعاملات بازی اطلاق می‌شود. با این تعریف در هر بازی بازیگران باید واکنش طرف‌های دیگر را نیز نسبت به تصمیم خود در هنگام تصمیم‌گیری در نظر گرفته و در محاسبات خویش وارد کنند. به تعبیر دیگر، تصمیم آنها باید با در نظر گرفتن واکنش طرف مقابل، بیشترین عایدی را داشته باشد (بصیری و محمدی، ۱۳۹۳: ۲۹).

عصاره نظریه بازیها این است که انسان موجودی عقلانی است؛ بنابراین رفتاری محاسبه‌گرایانه دارد. برخلاف دیدگاه روانکاو فروید و روانشناسان اجتماعی از جمله فروم، که به تجزیه و تحلیل مبانی غیرعقلایی رفتار انسان پرداخته‌اند، نظریه پردازان نظریه بازیها، راه تفریط پیموده، بر مبانی عقلایی رفتار انسان تأکید کرده‌اند. با این پیش‌فرض است که این نظریه‌پردازان رفتار عقلایی انسان را در قالب نمادهای ریاضی ارایه کرده‌اند (سیف زاده، ۱۳۸۷: ۱۹۱). مفروض‌های اساسی در نظریه بازی‌ها عبارتند از:

الف) اولین مفروض نظریه بازی‌ها این است که بازیگران، عقلانی رفتار می‌کنند. اما مفهوم عقلانیت ایده یکسانی را در بر ندارد. عقلانیت به اشکال عقلانیت ابزاری، عقلانیت فرایندی، پیوستگی اهداف و باورها، عقلانیت در استدلال، عقلانیت محصور و غیره مطرح شده است (Nicholson, 2013:6). در واقع دولت‌ها بازیگرانی عقلانی هستند و هر بازیگر یک انتخاب (راهبرد) هوشمندانه از بین پیامدهای مختلف خواهد داشت. به بیان دیگر، هر بازیگر می‌تواند پیامدهای خود را از طیف بهترین تا بدترین پیامد تعریف کند. ویژگی عمده تصمیم‌گیری در شرایط بازی این است که هر بازیکن قبل از تصمیم‌گیری، باید واکنش و عکس‌العمل دیگران را نسبت به انتخاب و تصمیم خود تجزیه و تحلیل کند؛ آنگاه تصمیمی را اتخاذ کند که برایش بهترین است (امیدی، غلام‌زاده و فهیمی، ۱۳۹۱: ۱۱۳).

ب) یکی دیگر از مفروض‌های اصلی نظریه بازی‌ها اصل «کم-بیشینه» است که هر بازیگر به دنبال بیشتر کردن کمترین امتیازی است که مطمئن به گرفتن آن است و در پی کم کردن بیشترین ضرری است که تحمل آن اجتناب‌ناپذیر است. البته، این اصل در بازی حاصل جمع عددی صفر صدق می‌کند. مهمترین ایده در نظریه بازی‌ها ایده «تعادل استراتژی» است (بصیری و محمدی، ۱۳۹۳: ۲۹). هر دولت تعداد گزینه کم و یا بیشتری برای انتخاب دارد. هر بازیکن بنا به استراتژی‌ای که انتخاب می‌کند و استراتژی‌ای که طرف مقابلش در برابر او اتخاذ می‌کند، منافع و زیان‌هایی را متحمل می‌شود. پرداخت‌ها در واقع یک نمایش کمی از میزان این بهره‌مندی‌هاست. هرچند سودمندی مفهومی انتزاعی است، ولی در نظریه بازی‌ها ناچار باید آن‌ها را کمی کرد (امیدی، غلامزاده و فهیمی، ۱۳۹۱: ۱۱۳).

ج) سومین مفروض در نظریه بازیها مفهوم راه‌حل است که در این نظریه اصطلاحی فنی به خود می‌گیرد و با مفهوم تعادل نشان داده می‌شود. این مفروضه می‌گوید در همه بازی‌ها لاقلاً یک تعادل وجود دارد. این مفروضه ابتدا توسط جان فون نیومان مطرح شد و توسط جان نش شهرت یافت و از آن پس، از آن به «تعادل نش» یاد شد. این مفهوم با مفروض عقلانیت مرتبط است؛ به این معنی که در بازی‌ها، عقلانیتی که به صورت آگاهی عمومی در اختیار همه بازیگران قرار دارد، باعث پیدایش تعادل می‌شود (طاهرخانی، ۱۳۹۰: ۲۲۵).

د) چهارمین مفروض آن است که هر بازیگر می‌تواند اطلاعات کامل یا ناقصی از بازی داشته باشد. در برخی از بازی‌ها این امکان وجود دارد که بتوان از نتایج یا حرکت‌های طرف مقابل آگاهی یافت و در برخی از بازی‌ها این امکان وجود ندارد (امیدی، غلامزاده و فهیمی، ۱۳۹۱: ۱۱۳).

رفتار عقلانی در نظریه بازی‌ها به معنای به حداکثر رساندن دستاوردهای مفروض است. افراد می‌توانند در موقعیت‌های منازعاتی، به نحو غیرعقلایی و هیجانی عمل کنند. ولی نظریه پردازان بازی‌ها معتقدند که افرادی که در بازی شرکت می‌کنند، با محاسبه‌گرایی عقلانی و با حدس زدن اقدامات طرف مقابل خود عمل کرده و سعی می‌کنند که از طرف مقابل امتیاز کسب کنند (درویشی و رضانی، ۱۳۸۹: ۷۹).

در واقع، تحت تأثیر این نظریه، تجزیه و تحلیل سیاست خارجی کشورها عملاً وارد یک جریان چندرشته‌ای شده است. هنگام حل مسائل اعم از اقتصادی، نظامی و سیاسی، اغلب ناگزیر هستیم که موقعیت‌هایی را تجزیه و تحلیل کنیم که در آنها دو یا چند طرف معارض در تعقیب اهداف متعارضی هستند. نظریه بازی‌ها در واقع یک نظریه ریاضی درباره موقعیت‌های

تعارض آمیز است. هدف این نظریه، تدوین توصیه‌هایی برای هر یک از حریفان جهت اقدام عقلایی در جریان یک موقعیت تعارض آمیز است و به‌ویژه در مورد درک اهداف مداخله روسیه در سوریه و توضیح چرایی و چگونگی ارتباط روسیه با کردهای سوریه، می‌تواند تحلیل‌های دقیقی را در اختیار ما قرار دهد.

۳. کردهای سوریه

به جرأت می‌توان گفت که ژئوپلیتیک هیچ منطقه‌ای در جهان به اندازه خاورمیانه دچار تشتت و بحران نیست. ویژگی‌های جمعیتی و پراکندگی نامناسب قومی در این منطقه بر دامنه چنین تشتتی افزوده است. کردها بخشی از این ناهمگونی جمعیتی در خاورمیانه محسوب می‌شوند. مناطق تاریخی کردها بخشهایی از شمال سوریه، جنوب شرقی سوریه، شمال عراق، شمال غربی ایران و مناطق جنوبی قفقاز را شامل می‌شود. اگرچه کردهای ساکن در این مناطق، زبان و فرهنگ و قومیت نسبتاً یکسانی دارند اما اشتباه است که تصور شود آنها از لحاظ سیاسی نیز اهداف و برنامه‌های یکسانی را دنبال می‌کنند. به عنوان مثال، کردهای کردستان عراق با مرکزیت اربیل، متحد استراتژیک آمریکا محسوب می‌شوند و برای مقابله با دولت شیعی عراق و کسب استقلال، بر روی حمایت آمریکا حساب می‌کنند. کردهای سوریه با گرایشات چپ‌گرایانه همواره از حمایت‌های روس‌ها برخوردار بوده و بدین لحاظ ترکیه و آمریکا آنها را به عنوان گروه‌هایی تروریستی تلقی نموده‌اند. کردهای ترکیه سالهاست که برای به رسمیت شناخته شدن به عنوان شهروندانی یکسان با ترک‌ها، به مبارزه مسلحانه با دولت ترکیه پرداخته‌اند؛ و سرانجام کردهای ایران، بدون مطالبه استقلال و با تأکید بر هویت اصیل ایرانی خود، صرفاً برای کسب حقوق سیاسی و اجتماعی بیشتر در چارچوب ایران واحد تلاش می‌کنند.

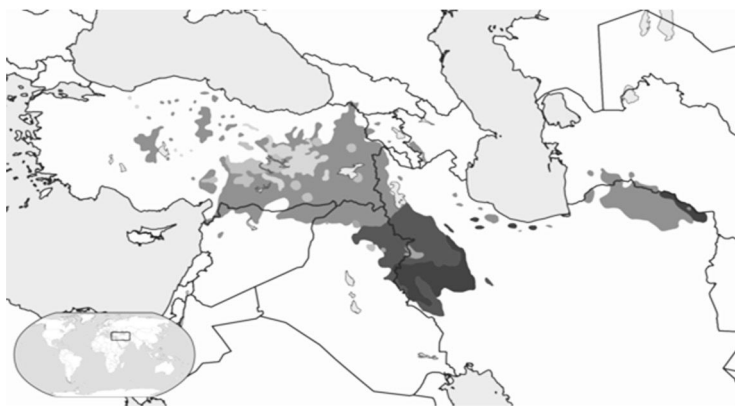
از بعد از فروپاشی دولت عثمانی، همواره مسئله کردها در دستور کار دولت‌های مختلف برای تأمین امنیت خود قرار داشته است (مرادی و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۵۱). جمعیت کردها بین ۸/۵ تا ۱۰ درصد کل جمعیت سوریه یا حدود ۱/۵ تا ۲ میلیون نفر تخمین زده می‌شود (باقری دولت آبادی، رحیمی دهگلان، ۱۳۹۴: ۱۳۰). اما بسیاری بر این باورند که به دلیل محدودیت‌هایی که در طول تاریخ بر قوم کرد وارد شده و امتناع دولت از واگذاری شناسنامه به تعدادی از کردها، این آمار صحیح نیست و آمار قوم کرد با ۱۸ درصد، بزرگ‌ترین اقلیت قومی در مناطق سکونت کردها در سوریه به شمار می‌آید. بیشتر کردهای سوریه سنی و شافعی مذهب هستند و اقلیتی در حدود ۱۰ هزار نفر شیعه در میان آنان زندگی می‌کنند (زارعان، ۱۳۹۲: ۲۳-۲۲). کردها در

چند منطقه اصلی این کشور تقسیم‌بندی می‌شوند که عبارتند از: کردداغ، کوبانی، حسکه و دمشق. کرد داغ یکی از مترکم‌ترین مناطق جمعیتی سوریه است و اکثر جمعیت ساکن در آن دارای قومیت کرد هستند (Cherif Vanly, 2015:148). کردهای زیادی هم به منظور فرار از سرکوب و بیدادگری‌های نیروهای کمال آتاتورک، در دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ از ترکیه به سوریه گریخته‌اند و در شهر حسکه ساکن شده‌اند. به همین دلیل، دولت سوریه مدعی است که همه کردهای سوریه، ترکیه‌ای هستند و به این کشور مهاجرت نموده‌اند؛ در حالی که تا پیش از این در اواخر قرن نوزدهم میلادی، بسیاری از کردهای عشایر، در این منطقه اسکان یافته و مشغول کشاورزی بوده‌اند و هنوز هم به صورت پراکنده در این شهر زندگی می‌کنند (McDowall, 2010:466). کردهای سراسر سوریه به زبان کرمانجی تکلم می‌کنند که لهجه آنها در مناطق کردداغ و جزیره اندکی متفاوت است. در مناطق مذکور، لهجه مردم کرد به ترتیب تحت تأثیر کردهای ترکیه و عراق قرار گرفته است (یلدز، ۲۰۱۳:۲۹). از نظر اقتصادی، مناطق کردنشین به تنهایی ۴۵ درصد از کل تولیدات کشاورزی سوریه را تأمین می‌کنند. این امر به این دلیل است که این بخش‌ها از منابع عظیم آب برخوردارند و شامل ۱۰ سد بزرگ با مجموع گنجایش ۳۰۰ میلیون متر مکعب آب و هشت رودخانه هستند که یکی از آنها رود فرات است. از نظر اجتماعی، زندگی برای کردها در سوریه وابسته به کارت‌های شناسایی و هویت است. مسافرت بین استان‌ها، کسب مشاغل دولتی، درخواست استفاده از مزایای کشوری و بسیاری از موارد دیگر، نیازمند بهره‌مندی از کارت شناسایی است و با توجه به اینکه جمعیت زیادی از کردها هنوز شناسنامه ندارند، در انجام این امور اجتماعی با مشکل روبه‌رو می‌شوند (باقری دولت آبادی و رحیمی دهگلان، ۱۳۹۴:۱۳۱).

تا قبل از خروج انگلستان و فرانسه از سوریه در سال ۱۹۴۶ و در پی آن استقلال این کشور، روابط حسنه‌ای میان اعراب و کردها در این کشور وجود داشت. اما سوریه مستقل تحت حاکمیت بورژوازی عربی که از دامن جبهه ملی‌ای برخاسته بود که پایگاه زمین‌داران بودند، به زودی ایدئولوژی پان عربیسم را اتخاذ کرد و مانند همه کشورهای عربی از شناختن حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی سر باز زد (کندال و دیگران، ۲۰۱۳:۲۵۹). در همین راستا، در کشور سوریه پس از کودتای ۱۹۵۴، سیاست تعریب (عربی کردن) برای ایجاد و رشد فرهنگ واحد عربی آغاز شد و بر عدم تأمین آزادی و حقوق شهروندان غیرعرب تأکید شد (نصری و سلیمی، ۲۰۱۳:۴۳). به طور کلی، انکار هویت کردها پیش‌تر با سرشماری ۱۹۶۲ استان الحسکه آغاز شد و در سال ۱۹۷۳، سوریه شروع به ایجاد کمربند عربی در مرز ترکیه کرد (yildiz, 2014:35).

طی دهه‌های بعدی، همچنان سیاست تبعیض‌آمیز در قبال کردها ادامه داشت. یکی از شدیدترین نمونه‌ها تداوم سیاست خشن حکومت مرکزی در برابر کردها، واقعه استان حسکه است. بر اساس حکم استانداری حسکه در سال ۱۹۸۶، کردها در محیط کار حق تکلم به زبان کردی را ندارند (HRW,1996:28).

این تبعیضها در مواردی نیز به درگیری‌هایی بین اعراب و کردها در سوریه منجر شده‌اند. به‌عنوان مثال، در ۱۲ مارس ۲۰۰۴، یک مسابقه فوتبال در قامیشلو مجموعه‌های از حوادث را به دنبال داشت. مسابقه بین یک تیم محلی و یک تیم از دیرالزور برگزار می‌شد. همزمان با اوج جنگ عراق، طرفداران عرب سنی شعارهایی در حمایت از صدام حسین سردادند. در همین هنگام کردها نیز در مقابل شعار زنده باد کردستان را سر دادند (فیلیپس، ۱۳۹۵: ۲۸). در این میان، تشویق بازیکنان به شعارهایی با مضامین سیاسی تبدیل شد که در نهایت به درگیری بین هواداران دو تیم منجر شد و در نتیجه آن ۷ نفر کشته و شمار زیادی زخمی شدند. در مراسم تشییع پیکر کشته‌شدگان هم برخوردهایی بین مردم و پلیس به وجود آمد که چندین نفر کشته و زخمی شدند. در نتیجه، این ناآرامی‌ها به سایر شهرهای کردنشین شمال سوریه و حتی دمشق و حلب سرایت کرد و با کشته شدن ۳۰ نفر و زخمی شدن ۱۶۰ نفر موج اعتراضات خاتمه یافت (Yildiz,2014:41-42). تا اینکه در سال ۲۰۱۱ شروع بحران داخلی در سوریه برگ جدیدی از تاریخ را برای کردها رقم زد.



مناطق کردنشین خاورمیانه

۴. بحران سوریه و مسئله کردها

آغاز تحولات اخیر در کشورهای غرب آسیا که موسوم به بیداری اسلامی و بهار عربی است، ابتدا با حادثه خودسوزی جوان تحصیل کرده دستفروشی به نام محمد البوعزیزی تونسسی در ۱۸ دسامبر ۲۰۱۰ که به رفتار نامناسب پلیس در این کشور اعتراض کرده بود، شروع شد (صادقی، اخوان کاظمی و لطفی، ۱۳۹۴:۱۱۳). با سقوط دو رژیم حاکم عربی مهم در شمال آفریقا، که سال‌ها سکان اداره این کشورها را بر عهده داشتند، به نوعی نقشه سیاسی منطقه به هم ریخت و به شدت شروع به تسری به کشورهای دیگر عربی کرد. با بحرانی شدن یمن، لیبی و بحرین، انقلابهای عربی شکل خونینی به خود گرفتند و برخلاف مصر و تونس که کمترین خون‌ریزی در انتقال قدرت را داشتند، این انقلابها به شدت خونبار شدند. نظام سوریه نیز به عنوان یک کشور عربی از این وضعیت بی‌بهره نماند و مردم سوریه با الهام گرفتن از سایر انقلابات، اگرچه دیرتر از کشورهای عربی دیگر، به خیابان ریختند و خواهان اصلاح و تغییر اوضاع خود شدند (آجورلو، ۱۳۹۰:۵۸). در واقع، ناآرامی‌ها در سوریه زمانی آغاز شد که در سایت فیسبوک صفحه‌ای تحت عنوان (سوریه بر ضد بشار اسد ۲۰۱۱) گشوده شد و درخواست کرد که در روز جمعه چهارم فوریه بعد از نماز، تظاهرات بر ضد حکومت فردی، فساد و استبداد آغاز شود. در این روز تجمعی به وقوع نپیوست. در ظهر ۱۷ فوریه که جهان عرب در حیرت تحولات سریع مصر بود، در سوق الحریقه که بازار پارچه‌فروشان شهر دمشق است، مشاجره‌ای بین جوانی به نام «عماد نسب» فرزند یکی از فروشندگان بازار با یک پلیس راهنمایی به‌وقوع پیوست و سایر فروشندگان را به اعتراض واداشت و تجمعی شکل گرفت که به تدریج و روزبه‌روز گسترده‌تر شد (موسوی، ۱۳۹۰:۱۰۶) و در نهایت به جنگ داخلی در سوریه انجامید. جنگ داخلی سوریه طرفهای متعدد داخلی و خارجی را نیز درگیر خود کرد. این بحران، همزمان با ورود بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی وارد شرایط متفاوتی شده است. حضور پررنگ‌تر ایران در سوریه و حملات هوایی روسیه به مواضع مخالفین بشار اسد، پیش‌بینی آینده سوریه را سخت کرده است (احمدیان و نوری اصل، ۱۳۹۴:۹۰).

با شروع بحران داخلی در سوریه، جامعه سوریه به دو بخش اساسی تقسیم شد که در یک طرف، نیروهای مخالف حکومت مرکزی و در طرف دیگر نیروهای طرفدار حکومت مرکزی قرار دارند. در همین راستا، حکومت مرکزی سوریه تصمیم گرفت به شهروندان کرد سوری که چندین سال از داشتن شناسنامه و حقوق ابتدایی محروم بودند، شناسنامه و حقوق شهروندی اعطا کند. در این میان، حزب اتحاد دموکراتیک مورد حمایت بی‌دریغ حکومت مرکزی قرار

گرفت و سلاح و تجهیزات نظامی زیادی از سوی حکومت به این حزب داده شد. همچنین نیروهای ارتش سوریه از چند شهر کردنشین خارج شدند و حفاظت و اداره مراکز دولتی در این شهرها به نیروهای حزب اتحاد دموکراتیک سپرده شد (نصری و سلیمی، ۱۳۹۳:۵۳).

یکی از مهمترین عوامل در تقویت جایگاه کردها در سوریه پس از ۲۰۱۱، رقابت هویتی و ظهور گروه‌های متعارض در برابر حکومت مرکزی بوده است. کردها ظاهراً به عنوان یکی از مهم ترین و عمده‌ترین گروه‌های پیروز در بحران سوریه هستند؛ زیرا با خروج نیروهای نظامی وابسته به حکومت مرکزی از نواحی کردنشین و نواحی نزدیک مرزهای ترکیه در اواسط ژوئیه ۲۰۱۲، عملاً حکومت مرکزی به صورت دفاکتو کنترل این مناطق را به کردها سپرده است. در پی این اتفاق، کردها در مناطق تحت کنترل خود پایگاه ایست و بازرسی دایر کرده و پرچم خاص خویش را به اهتزاز درآورده‌اند و در نهایت تمرین و آماده‌سازی برای کسب خودمختاری را آغاز کرده‌اند (نصری و سلیمی، ۱۳۹۳:۵۴). در واقع در پی بحران سوریه، کردهای این کشور فرصتی مهم یافته‌اند تا مسئله کردی و تلاش کردها برای دستیابی به سطح بالاتری از امتیازات و خودمختاری در منطقه را برجسته‌تر کنند. از اینرو، تحولات جدید در سوریه فضایی خاص برای فعالیت و نقش‌آفرینی گروه‌های کرد سوریه و همچنین تأثیرگذاری بازیگران خارجی در مناطق کردنشین به وجود آورده است (اسدی، ۱۳۹۱:۱۷۴).

به طور کلی باید خاطر نشان کرد که کردهای سوریه در قبال تحولات این کشور موضعگیری‌های متفاوتی داشته‌اند. نخستین واکنش طبیعی کردهای سوریه به اعتراضات و درگیری‌های آغاز شده در جنوب سوریه، نوعی اعلام حمایت با سایر مردم سوریه بود که در چند تظاهرات محدود خیابانی در برخی مناطق و شهرهای کردنشین خود را نشان داد. دومین واکنش کردهای سوریه، اتخاذ سیاست صبر و انتظار، توأم با گسترش فعالیت‌های مخفیانه در مناطق کردنشین بود. سومین تحول، در شمال سوریه به توافق نانوشته و غیررسمی دولت مرکزی با برخی از احزاب کرد سوری برای واگذاری کنترل و اداره چند شهر، از جمله سری کانی، کوبانی، عفرین و... باز می‌گردد. آخرین تحول در مواضع کردهای سوریه به تلاش‌های جدید برخی از احزاب کرد و نیز شورای ملی اپوزیسیون سوریه باز می‌گردد که در آن، طرفین تا حدودی از مواضع تند و ادبیات تهاجمی علیه یکدیگر کاسته‌اند (مرادی و دیگران، ۱۳۹۴:۲۶۳-۲۶۰). همکاری با حکومت بشار اسد در تقابل نظامی با نیروهای داعش، فاز دیگری از نزدیکی کردهای سوریه و دولت سوریه است که تا به امروز همچنان ادامه دارد. باید خاطر نشان کرد که اسد به هیچ وجه مایل به اعطای استقلال و یا جدایی طلبی

کردهای سوریه نیست، اما در نهایت سیر امور ممکن است وی را به موافقت با ایجاد یک ایالت خودمختار کردی در شمال سوریه سوق دهد.

۵. مواضع روسیه در قبال کردهای سوریه

روابط روس‌ها و کردها معطوف به سال‌های اخیر نیست. در واقع، از سال ۱۹۲۱، اتحاد جماهیر شوروی به مردم کرد به عنوان یک ملت توجه داشته است. همچنین در سال ۱۹۲۳ شوروی‌ها، منطقه‌ای کردی با مرکزیت لاجین در ناگورنو (قره‌باغ) امروزی برپا کردند تا مهد جنبش‌های آزادی‌بخش کردی در عراق، ترکیه، سوریه و ایران باشد. با توجه به سرشماری که در سال ۱۹۲۶ انجام شد، تعداد کردهای شوروی حدود ۷۰۰۰۰ نفر بوده است که ۶۷۰۰۰ نفر از آن‌ها در قفقاز زندگی می‌کردند و تعداد کمی حدوداً ۳۰۰۰ نفر در آسیای مرکزی ساکن بوده‌اند. مدت کوتاهی پس از جنگ جهانی دوم، مسکو از ایجاد جمهوری خودمختار کردی در مهاباد حمایت کرد. همچنین شوروی در سال ۱۹۴۶ در پی شکست حرکت شورش جدایی طلبانه مهاباد، به مدت ۱۲ سال پذیرای ملا مصطفی بارزانی بود (Delanoë, 2015:7). بدین ترتیب شواهد زیادی دال بر وجود روابط شوروی با کردها از مدت‌ها پیش وجود دارد. روابط دهه‌های اخیر روسیه با کردهای سوریه نیز در همین راستا قابل توجه است. در دهه ۹۰ میلادی، روابط روسیه با کردها وارد فاز جدیدی شد. در این ایام، سیاست ترکیه در حمایت از چپنی‌ها موجب رنجش روسیه شد و لذا مسکو نیز با حمایت از کردهای جدایی‌طلب، آنکارا را در محاق و تنگنا قرار داد. در پی سفر رجب طیب اردوغان به روسیه در اوایل روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، مناسبات دو طرف بهبود یافت که یکی از تبعات آن، کاهش کمک مسکو به جدایی‌طلبان کرد ترکیه بود. طی این سالها مخصوصاً از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۱ روابط اقتصادی روسیه و ترکیه دائماً افزایش یافته است. اما با ظهور خیزش سیاسی-اجتماعی در سوریه، مناسبات طرفین، به‌ویژه در ارتباط با مسئله کردها، تغییر کرد (iras, 2018).

در بررسی مواضع روسیه نسبت به بحران سوریه به طور کلی و مسئله کردهای شمال سوریه به‌طور خاص، باید با در نظر گرفتن عقلانیت استراتژیک روسیه در نظریه بازپها، به‌عنوان چارچوب نظری این مقاله، اهداف و منافع استراتژیک روسیه را تحلیل کرد. برخی از تحلیل‌گران معتقدند که روابط دفاعی طولانی بین روسیه و سوریه، اهمیت پایگاه نیروی دریایی روس‌ها در طرطوس، فروش سلاح‌های روسی به سوریه و... از عوامل حمایت روسیه از سوریه است. در واقع باید گفت که روسیه با هرگونه تغییری در نظم ژئوپلیتیک منطقه

که موازنه قدرت را به سود امریکا برهم بزند، مخالف است. روسیه چندان تمایلی به پذیرش استقلال اقلیم کردستان سوریه ندارد و مدافع حفظ تمامیت ارضی سوریه است (باقری دولت آبادی و رحیمی دهگلان، ۱۳۹۴: ۱۴۶-۱۴۵). باید توجه داشت که موضع سرسختانه مسکو در باب تحولات سوریه و یا اشاره کرملین به سناریوی تلخ لیبی، نه به واسطه ماهیت روابط دو جانبه مسکو با این کشورها، بلکه از باب نگرانی در خصوص تغییر معادلات سیاسی و امنیتی بلنددامنه خاورمیانه به ضرر روسیه است (کرمی و نوری، ۱۳۹۱: ۱۷۷). پس از آنکه کوبانی مسئله کردها را بین‌المللی کرد و کردها توانستند با اتحاد علیه داعش پیشروی کنند، روس‌ها به این نتیجه رسیدند که نقش کردهای سوریه در روند پایان بحران، مهم و غیر قابل چشم‌پوشی است و سوریه و حامیاناش باید در خصوص آینده کردها و سه‌گزینه خودمختاری، استقلال و مشارکت سیاسی آن‌ها در نظام یکپارچه سوریه، تصمیم بگیرند. از طرف دیگر، روس‌ها می‌دیدند که کردهای سوریه توانسته‌اند نظر امریکا را به خود بیشتر جلب کنند.

آمریکا از زمان محاصره کوبانی در سال ۲۰۱۴، با بمباران مواضع داعش و پایین انداختن مهمات و سلاح، حمایت از کردهای این کشور را آغاز کرد. واشنگتن پس از شکست در آموزش مخالفان سوری، کردهای سوریه را مؤثرترین نیرو در مبارزه با داعش و هم‌پیمان خود در سوریه خواند و اعلام کرد در تلاش برای تشکیل یک ائتلاف سوری جدید بین کردها، مسیحیان و سوری‌های سنی است. در این مدت نیز امریکا با وجود انتقاد شدید ترکیه حاضر نشده است کردهای سوریه را تروریست بخواند. واشنگتن از حملات ترکیه به مواضع یگان‌های کرد مدافع خلق در شمال سوریه نیز انتقاد کرد و خواستار توقف آن شد. بنابراین روسیه تصمیم گرفت از پیشینه روابط مسکو با کردها، برای متوازن‌سازی با رابطه امریکا و کردها استفاده کند. این در حالی است که طرح استقلال کردها چه در ترکیه، چه در عراق و سوریه نمی‌تواند با ملاحظات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی روسیه هم‌راستا باشد. روس‌ها مخالف استقلال کردها هستند و این را می‌توان در اظهارات مقامات مسکو نیز مشاهده کرد. حتی به نظر می‌رسد روسیه در زمین سوریه، با وجود حمایت از کردها، اجازه پیش‌روی آن‌ها به ضرر دولت دمشق را نمی‌دهد. با وجود این، مقامات مسکو معتقدند که فدرالیسم در سوریه، انتخابی گریزناپذیر و تنها راه جلوگیری از تجزیه این کشور است (عابدی، ۱۳۹۴: ۳).

برای روسیه، «تغییر رژیم» در سوریه همواره خط قرمز بوده است و مخالفت روسیه با «تغییر رژیم» در سوریه در درجه اول ناشی از تجربه تلخ گذشته این کشور در منطقه و به‌خصوص در افغانستان، عراق و لیبی است. در واقع روسیه نمی‌خواهد متحد استراتژیک خود

(سوريه) را از دست بدهد و به دنبال بازگشت آرامش و ثبات به این کشور از طریق مدیریت بحران و خروج از وضعیت هرج و مرج آن است. در واقع با شروع جنگ داخلی در سوریه، مسکو به دنبال فرصتی برای بهبود روابط با کردهای سوریه بوده است. لذا روسیه خواهان حضور حزب اتحاد دموکراتیک کردستان در مذاکرات صلح ژنو بود. رئیس جمهور پوتین نیز در سخنرانی‌ش در مجمع عمومی سازمان ملل، حمایت خود را نسبت به کردهای سوریه نشان داد و بیان کرد: «ما باید اذعان کنیم که واقعاً هیچ‌کس به اندازه نیروهای مسلح بشار اسد و شبه‌نظامیان (کردها) با دولت اسلامی و دیگر گروه‌های تروریستی در سوریه مبارزه نکرده‌اند. بنابراین برای روسیه، مبارزه کردها علیه افراط‌گرایان داعشی بسیار مهم است، چراکه در میان تمامی نیروهای سیاسی داخلی سوریه، کردها از شرکت‌کنندگان بسیار مهم در مبارزه با اسلام‌گرایان افراطی هستند. روسیه منبع قابل توجهی برای کمک به کردهای سوریه اعم از حمایت دیپلماتیک تا تأمین سلاح است و به‌طور خاص مسکو با استفاده از نیروهای هوایی خود در سوریه به کردها نیز کمک می‌کند» (Cherif Vanly, 2015: 87).

با این حال، ایالات متحده آمریکا نیز به کردهای سوریه کمک می‌کند و فضای بیشتری برای مانور به آنها می‌دهد تا وابستگی‌شان را به روسیه کاهش دهد. بنابراین روسیه باید رویه مناسبی را در این وضعیت پیچیده پیدا کند، چراکه کردهای سوریه تلاش می‌کنند تا وضعیت موجود خود را تقویت کنند. برای کردها، همکاری بین ایالات متحده و روسیه می‌تواند مطلوب‌ترین نتیجه باشد و یا حداقل سطحی از درک و تفاهم بین روسیه و ایالات متحده می‌تواند به کردها اجازه بدهد تا از مزایای همکاری دو طرف منفعت به دست آورند و گروه‌های کردی با توجه به روابط خود با واشنگتن و مسکو به آزادی بیشتری دست یابند. این امر باعث می‌شود تا آنها مشروعیت بین‌المللی خود را افزایش دهند، قابلیت‌های نظامی خود را گسترش داده و بقای خود را در مناطق تحت کنترل خویش تضمین کنند. در واقع، باید گفت که اگر روسیه نفوذ خود را به طور قابل توجهی در اقلیم کردستان افزایش دهد، به منزله این است که با سیاست‌های ترکیه و هم‌پیمانان آن مقابله می‌کند.

روسیه حتی یک منطقه امن برای کردها در برابر عملیات ترکیه ایجاد کرد و در فوریه ۲۰۱۶ حزب اتحاد دموکراتیک کردستان به طور رسمی دفتر نمایندگی خود را در مسکو افتتاح کرد. مقامات ترکیه‌ای نیز معتقدند که روسیه نه تنها برای نیروهای کرد سوریه سلاح ارسال کرده و از آنها حمایت همه‌جانبه به عمل آورده، بلکه نقشی کلیدی در تصمیم پ ک ک برای شروع دوباره مبارزه در داخل ترکیه ایفا کرده است. در این میان، سرنگونی جت جنگنده روسی توسط ترکیه،

به عنوان یک اقدام تلافی‌جویانه در مقابل روسیه تعبیر شد؛ چرا که روسیه سعی می‌کرد از کردهای سوریه به عنوان اهرم فشاری علیه ترکیه استفاده کند. ازین رو، روسیه تلاش می‌کند تا کردها و رژیم سوریه را به سمت اتخاذ مواضع مشترک با هدف حفظ وحدت کشور سوریه سوق دهد. در واقع، حمایت مسکو از کردهای سوریه برای بی‌ثبات کردن ترکیه، مقابله با نفوذ غرب و ناتو و ننگ داشتن بشار اسد در قدرت است. باید اذعان کرد که روسیه با خودمختاری کردها مخالف است؛ چراکه ثبات در منطقه برای مدتها از بین خواهد رفت و این برخلاف سیاست‌هایی است که روسیه دنبال می‌کند. از طرف دیگر، مشارکت بالای روسیه در تنظیم بیانیه وین ۲ و هم‌چنین قطعنامه ۲۲۵۴ شورای امنیت سازمان ملل متحد در خصوص بحران سوریه، بیانگر این است که روسیه به تمامیت ارضی سوریه معتقد است و هر گونه تلاش برای تجزیه این کشور چه از سوی مخالفان دولت سوریه و چه از سوی کردها را محکوم می‌کند. در بیانیه وین ۲ و قطعنامه ۲۲۵۴ به صراحت بر ضرورت حفظ تمامیت ارضی سوریه تأکید شده است.

بدین ترتیب، در ارتباط با موضوع مورد بحث این مقاله و ارتباط آن با نظریه بازی‌ها، باید گفت که دولت روسیه به عنوان یک بازیگر عاقل و با رفتاری عقل‌گرایانه به دنبال آن است که با اتخاذ یک راهبرد هوشمندانه و دقیق، پیامدهای احتمالی منفی منتج از انتخاب راهبردش را که ممکن است در آینده گریبان‌گیرش شود، کاهش دهد. همان طور که می‌دانیم روسیه در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای از حضور در سوریه اهداف مختلفی را دنبال می‌کند که یکی از آن‌ها مقابله با حضور آمریکا در سوریه و نزدیکی بیشتر کردها با آمریکا است. لذا روسیه باید واکنش و عکس‌العمل سایر بازیگران را نیز نسبت به تصمیم خود، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

از آنجا که اصل اصیل نظریه بازی‌ها بر بخردانه بودن رفتار بازیگران است و بخردانه بودن به این معناست که هر بازیگر تنها در پی بیشینه کردن سود خود بوده و می‌داند که چگونه می‌تواند سود خود را بیشینه کند، بنابراین حدس زدن رفتار آن‌ها که بر اساس نمودار هزینه-فایده است، آسان خواهد بود. دولت روسیه می‌خواهد در جریان این تحولات و بحران سوریه بیشترین امتیاز را نصیب خود کند و در عین حال آسیب‌ها و ضررهایی که ممکن است متوجه‌اش شود را به حداقل برساند. این همان به‌کارگیری اصل کم-بیشینه سازی در نظریه بازیهاست که روسیه در سیاست خارجی خود همواره آن را دنبال می‌کند. در واقع، روسیه از ورود به منازعه سوریه دو هدف را دنبال کرده است: یکی، گسترش حوزه نفوذ خود در خاورمیانه و به‌خصوص در مناطقی که بتواند امتیازاتی را از آمریکا در قبال بحران اوکراین بگیرد و دیگری، اثبات این نکته به مردم روسیه که این کشور همچنان یک قدرت پرنفوذ جهانی است (Xander, 2017:3).

بدین ترتیب، کشور روسیه همواره جویای آن است که تعادل بین سود و ضررهای احتمالی را برقرار کند که این تعادل با رفتار عقلانی دولت روسیه در ارتباط است. به عبارت بهتر، روسیه با هرگونه تغییر در نظم منطقه خاورمیانه و به‌ویژه در سوریه، که موازنه قدرت را به نفع آمریکا بر هم بزند، مخالفت می‌کند. به همین خاطر، روسیه تمام حرکات رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی خود را که به دنبال بهره‌گیری از فرصت هستند، زیر نظر می‌گیرد و اهداف و استراتژی‌های آن‌ها را پیش‌بینی می‌کند و به دنبال ارائه راه حل در برابر آن‌هاست تا دستاوردهای خود را افزایش دهد. طی چندین سال گذشته، روسیه توانسته است به‌خوبی از کردها هم به‌عنوان یک اهرم و ابزار نفوذ در منطقه خاورمیانه استفاده کند و هم در عین حال روابط خود را با ایران، عراق، ترکیه و سوریه به مخاطره نیفکند. همزمان، روسیه با حمایت خود از کردها توانسته از آنها به‌عنوان یک برگ برنده در ارتقای منافع خود در رابطه با چهار کشور مذکور نیز بهره‌مند شود (Delanoë, 2015:19). در واقع، روسیه از نبرد سوریه سربلند بیرون آمده است (Xander, 2017:2) و در عین حال، از این پس، نفوذ روسیه بر حکومت بشار اسد تا آینده نامعلومی تشبیت شده باقی خواهد ماند (Xander, 2017:3).

۶. مواضع قدرت‌های منطقه‌ای نسبت به استقلال کردهای سوریه

در ارتباط با جنگ داخلی سوریه و مواضع نیروهای داخلی این کشور از یکسو، و دیدگاه‌های قدرتهای بزرگ در این زمینه، میبایست از مواضع برخی قدرتهای مهم منطقه‌ای نیز نسبت به این بحران و طرفهای درگیر در آن نیز سخن گفت. بدین منظور، در زیر به دیدگاه‌های ایران، ترکیه، عراق، عربستان و اسرائیل به‌طور مختصر در این زمینه اشاره می‌شود:

ایران

از نظر ایران، بحران سوریه یک بحران ساختگی برای سرنگونی بشار اسد و از هم گسستن حلقه مقاومت در منطقه است. به همین دلیل، از زمان بروز ناآرامی‌ها در سوریه، ایران در کنار بشار اسد ایستاد و با هرگونه مداخله نظامی خارجی در این کشور مخالفت کرد. به عقیده سیاست‌مداران ایرانی، همکاری و حمایت از حکومت بشار اسد، از مهم‌ترین عوامل پیشبرد رویکرد سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه خاورمیانه است و از دست رفتن سوریه می‌تواند آینده خاورمیانه را تغییر دهد. از آنجاکه حفظ تمامیت ارضی سوریه جزء اهداف استراتژیک ایران محسوب می‌شود، ایران هرگونه خودمختاری و تجزیه‌طلبی در خاک این کشور را نفی کرده است. اما باید توجه داشت که این امر از منظر ایران، به معنای تأیید

سرکوب کردها نیست (باقری دولت آبادی و رحیمی دهگلان، ۱۳۹۴:۱۴۳). ایران در عین حال، برخی انتقادات نسبت به حکومت اسد در زمینه لزوم برقراری دموکراسی و آزادیهای مدنی و توجه به حقوق اقلیت‌ها را مورد تأکید قرار داده و بهبود شرایط سیاسی در این کشور را خواستار شده است، اما ریشه بحران داخلی سوریه را صرفاً در تلاش قدرتهای غربی برای به زانو درآوردن سوریه به‌عنوان کشور خط مقدم مقاومت در برابر اسرائیل، تحلیل می‌کند.

ترکیه

مشکل اصلی ترکیه با حزب اتحاد دموکراتیک کرد، رابطه این حزب با پ.ک.ک. و تلاش آن‌ها برای خودمختاری در مناطق کردنشین سوریه است. این موضوع که کردهای سوریه، همانند اقلیم کردستان عراق، بتوانند به خودمختاری برسند و منطقه خود را در درون سوریه اداره کنند، سناریوی نامطلوبی برای ترکیه است. وجود دو منطقه خودمختار کردنشین در عراق و سوریه، فشار بر ترکیه را که بیش از ۱۵ میلیون کرد دارد، تشدید خواهد کرد تا به اعطای حقوق بیشتری برای شهروندان کرد مبادرت ورزد. همچنین ترکیه نگران است که پیدایش یک اقلیم کردستان جدید در سوریه و پیوند آن با پ.ک.ک، چالش امنیتی جدیدی را به این کشور تحمیل کند (صادقی و رحیمی، ۱۳۹۶:۴۲۴). بدین ترتیب، برای ترکیه، وجود یک ایالت خودمختار کرد در کنار مرزهای جنوبی آن، یک کابوس فاجعه‌بار است؛ زیرا وجود چنین ایالتی می‌تواند بر دامنه تلاش‌های کردهای ترکیه (در قالب حزب کارگران کردستان یا پ.ک.ک) برای استقلال و یا خودمختاری بیفزاید (Wickett, & Parakilas, 2016: 6). در واقع، پ.ک.ک از ۱۹۷۸ تاکنون، در راستای دستیابی به استقلال یا خودمختاری در ترکیه در حال مبارزه بوده است.

در واقع، اهداف ترکیه در میانه جنگ داخلی سوریه، به ترتیب اولویت عبارتند از تلاش برای جلوگیری از تشکیل یک ایالت خودمختار کردی در کنار مرزهای جنوبی ترکیه؛ سرنگونی حکومت بشار اسد و جایگزینی آن با یک حکومت سنی؛ و به شکست کشاندن داعش. با وجود این، ترکیه در موارد متعددی نیز سیاست‌های متضادی با این اهداف اتخاذ کرده که از جمله آنها میتوان به کمک آن به اعضای داعش برای عبور از ترکیه در مسیر رسیدن به سوریه، و معاملات کلان نفتی با داعش اشاره کرد که البته این اقدامات با توجه به عملگرایی ترکیه و با در نظر گرفتن اینکه این سیاست‌ها میتوانند او را به دستیابی به دو هدف اولیه آن نزدیک کنند، قابل درک خواهند بود.

طی چند سال گذشته، ترکیه از دو رویداد در ارتباط با کردهای سوریه هراس داشته و لذا

تلاش کرده تا این دو رویداد تحقق پیدا نکنند: یکی، حمایت آمریکا از کردهای شمال سوریه و دیگری، مشارکت کردهای سوریه در گفتگوهای صلح که نهایتاً ممکن است خودمختاری فعلی آنها را به یک خودمختاری دائمی تبدیل کند. با وجود این، به نظر می‌رسد که هر دو رویدادی که ترکیه از وقوع آنها هراس داشته، تحقق پیدا کرده‌اند؛ یعنی هم آمریکایی‌ها به کردهای وابسته به نیروهای دموکراتیک سوریه (Syrian Democratic Forces (SDF)) کمک کرده‌اند و هم روس‌ها توانسته‌اند کردهای سوریه را به روند مذاکرات صلح ژنو وارد کنند (Tastekin, 2017: 5). در ۲۴ نوامبر ۲۰۱۷، رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه اعلام کرد که طی تماس با ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا از وی قول گرفته که از تسلیح کردهای سوریه خودداری کند، ولی چند روز بعد مقامات پنتاگون اعلام نمودند که حمایت تسلیحاتی از کردهای سوریه تا زمانیکه نبرد علیه داعش جریان دارد، ادامه خواهد داشت (Tastekin, 2017: 6). به همین جهت، پس از کسب موفقیت‌هایی علیه نیروهای داعش، توسط نیروهای نظامی کردی موسوم به نیروهای دموکراتیک سوریه، ترکیه به حملات توپخانه‌ای به مواضع این نیروها اقدام کرده است.

عراق

در شرایط فعلی، دولت مرکزی عراق احساس می‌کند که کردهای این کشور از اصل فدرالیسم فراتر رفته‌اند و به تدریج حتی با فروش نفت، و انعقاد پیمان‌هایی که با کشورهای دیگر برای استخراج و کارهای عمرانی می‌بندند، پا را فراتر گذاشته و خواهان جدایی و استقلال از دولت مرکزی عراق هستند؛ واقعیتی که با تلاش‌های اخیر در برگزاری رفراندوم استقلال کردستان عراق، به خوبی به اثبات رسید. لذا نوع رابطه آن‌ها باعث شده است تا دولت عراق احساس کند که اگر اقلیمی در سوریه تشکیل شود، حلقه تکمیلی کردستان عراق است و به تدریج دامنه مطالبات کردها را وسیع‌تر کرده و مسئله خودمختاری و حتی جدایی‌طلبی آنها را تشدید می‌کند. لذا دولت عراق هم با مسئله استقلال کردها در سوریه مخالف است؛ چراکه می‌داند این امر تأثیری بدیهی بر اقلیم کردستان عراق دارد (peace-ipsc, 2018).

عربستان

عربستان نیز به‌عنوان یکی از قدرت‌های منطقه‌ای، تلاش کرده تا در بحران سوریه ایفای نقش کند. سعودیها با هدف کاهش نفوذ ایران در سوریه و سرنگونی اسد، به‌عنوان مهمترین هم‌پیمان منطقه‌ای ایران، ضمن حمایت‌های گسترده مالی و لجستیکی از نیروهای داعش و جیش الاسلام (Stepanova, 2016: 7)، بارها تلاش کرده‌اند تا کردهای شمال سوریه را با

سیاست‌های خود همراه ساخته و با قول اعطای کمک‌های مالی و تسلیحاتی و حمایت از استقلال آنها، از آنان خواسته‌اند تا علیه نیروهای ارتش سوریه وارد عمل شوند. روزنامه روسی نزاویسیمایا گازیتا در یادداشتی به قلم ایگور سوبوتین، که وبگاه روسیا الیوم نیز آن را منتشر کرده، به بررسی سفر ثامر السبهان، وزیر امور خلیج فارس سعودی، به رقه پرداخت و نوشت: به عقیده کارشناسان بین این سفر و چشم‌انداز عربستان برای استفاده از کردهای سوریه به عنوان ستون خود در این کشور رابطه وجود دارد. طبق گفته "نیروهای دموکراتیک سوریه" (نیروهای کرد سوریه) وزیر عربستانی، مسائل مرتبط با بازسازی این شهر را مورد بحث قرار داد. این در حالی است که هدف این سفر به طور گسترده این گونه تفسیر شده است که سفر مزبور فقط برای تحکیم جایگاه عربستان در سوریه نبوده، بلکه نشان‌دهنده تمایل ریاض برای حمایت از استقلال کردهای سوریه است؛ امری که آنکارا، تهران و دمشق با آن مخالف هستند. نویسنده به نقل از فرحات باتییف، عضو «کنگره ملی کردی» نوشته که عربستان از استقلال کردهای سوریه حمایت می‌کند. گریگوری کوساچ، استاد کرسی تاریخ معاصر شرق در دانشگاه علوم انسانی روسیه، معتقد است عربستان صندوقی ویژه برای کمک به کشورها و اقلیت‌های اسلامی دارد و از طریق این صندوق به پروژه‌های مرتبط کمک مالی می‌کند (fa.alalam, 2018).

اسرائیل

اگر بخواهیم موافقین قدرت‌گیری و استقلال کردها را تحلیل کنیم، باید گفت که یکی از موافقین جدی و حامیان این قضیه دولت اسرائیل است. اسرائیل به دلیل این که اصولاً همه دولت‌های اسلامی و عرب را مخالف خویش و دشمن خود تلقی می‌کند، از تغییر نقشه خاورمیانه و ظهور دولت-ملت‌های جدید، از جمله دولت کرد (که پیشینه طولانی رابطه با آن‌ها را داشته است) طرفداری می‌کند و خواهان این است که دولت‌های وسیع خاورمیانه مانند ایران و حتی عراق که با آن مرز مشترک ندارد و حتی لبنان (که کشوری بسیار کوچک است) در معرض تجزیه قومی و حتی تجزیه مذهبی قرار گیرند. لذا به شدت از استقلال کردها و به‌ویژه استقلال کردهای سوریه حمایت کرده و خواهان تشکیل دولت‌های خودمختار (خواه اقلیم‌های قومی و خواه اقلیم‌های خودمختار مذهبی) در منطقه خاورمیانه است (peace-ipsc, 2018).

نتیجه گیری

کردهای سوریه یک اقلیت قابل ملاحظه از جمعیت سوریه هستند که دولت سوریه نه تنها هویت آنها را به عنوان جمعیتی بومی به رسمیت نشناخته، بلکه آنها را به عنوان تهدیدی علیه تمامیت ارضی و امنیت ملی خود قلمداد می‌کند. با وقوع تحولات شکل گرفته در سوریه، کردهای سوریه از حمایت دولت بشار اسد برخوردار شدند و اداره مناطق کردنشین به آنها واگذار شد. از این زمان به بعد، کردها در کانون توجه قدرت‌های بزرگ قرار گرفته‌اند که یکی از این قدرت‌ها روسیه است. در مقاله حاضر تلاش شد تا با استفاده از نظریه بازی‌ها، به واکاوی مواضع روسیه در قبال کردهای سوریه بعد از ۲۰۱۱، به عنوان یکی از مهم‌ترین بازیگران در بحران سوریه پرداخته شود. فرضیه مطرح شده در این مقاله آن است که روسیه در جریان بحران سوریه به دنبال آن است که از تجزیه متحد دیرینه خود یعنی سوریه و دستیابی کردهای این کشور به خودمختاری و استقلال جلوگیری کند.

در واقع، با پایان یافتن کار داعش در سوریه، کردهای این کشور به تدریج وارد مرحله جدیدی از حیات سیاسی خود خواهند شد. کردهای سوریه ضمن حفظ روابط مطلوب خود با روس‌ها، تلاش می‌کنند تا از اهرم آمریکا نیز برای تحکیم موقعیت خود در آینده سوریه بهره ببرند. با وجود این، کردها اطمینان کمتری به آمریکایی‌ها و قول‌های آنان دارند و لذا سعی می‌کنند بیشتر اتکای خود را بر حمایت روس‌ها مستقر سازند. با این حال، روس‌ها از استقلال کردهای سوریه حمایت نخواهند کرد، اما تلاش خواهند کرد تا بشار اسد را به اعطای نوعی از خودمختاری به کردها در چارچوب یک سیستم فدرالی در سوریه اقناع کنند و زمینه را برای تشکیل ایالت خودمختار روژاوه (کردستان غربی) فراهم سازند. در این راستا، کردها تمایل بیشتری به مذاکره و حتی همکاری با دولت اسد پیدا کرده‌اند و این در حالی است که ترکیه با هرگونه راه حلی در سوریه که به قدرت گرفتن کردها و یا خودمختاری آنها در دوران پساداعش منجر شود، مخالفت می‌کند.

یافته‌های پژوهش نیز حاکی از آن است که روسیه به دلیل منافع استراتژیک سیاسی، اقتصادی و نظامی خود در سوریه، خواهان ابقای رژیم بشار اسد بوده و به شدت با خودمختاری کردها مخالف است؛ چراکه با تجزیه و تضعیف سوریه، منافع روسیه در خاورمیانه با خطر و تهدید مواجه می‌شود. از سویی، باید خاطر نشان کرد که روسیه با هدف جلوگیری از کاهش نفوذ خود در خاورمیانه، و به منظور مقابله با سیاست‌های غرب، از رژیم حاکم بر سوریه حمایت می‌کند و مایل به حفظ نفوذ خود بر رژیم بشار اسد است. روسیه در عین حال، مایل نیست که ایران از

نفوذ قابل توجهی در سوریه برخوردار باشد و از سوی دیگر، با حمایت از کردهای سوریه، برای تحت فشار گذاشتن ترکیه تلاش میکند. در حقیقت، ترکیه به‌طور تاریخی همواره برای روسیه یک تهدید تلقی شده است، زیرا با تسلط ترکیه بر تنگه بسفر، هرگاه این تنگه توسط ترکیه بسته شود، دسترسی روسیه به دریای مدیترانه با مشکلاتی اساسی مواجه خواهد شد.

منابع

الف) منابع فارسي

- آجورلو، حسين. (۹۳۱۰). تحولات سوریه: ریشه‌ها و چشم‌اندازها، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هجدهم، شماره سوم، پاییز.
- احمدیان، قدرت؛ نوری اصل، احد. (۱۳۹۴). تحولات سوریه؛ دولت در مانده و بازیگران خارجی، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال هشتم، شماره ۳۰، زمستان.
- اسدی، علی اکبر. (۱۳۹۱). بحران سوریه و تاثیر آن بر بازیگران و مسائل منطقه‌ای، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال سیزدهم، شماره ۵۰، تابستان.
- امیدی، علی؛ غلام‌زاده، احسان؛ فهیمی، فاطمه. (۱۳۹۱). تحلیلی از تقابل ایران و آمریکا در برنامه هسته‌ای در چارچوب نظریه بازی‌ها، مجله دانش سیاسی و بین‌الملل، سال اول، شماره ۱، بهار.
- باقری دولت‌آبادی، علی؛ رحیمی دهگلان، سیروان. (۱۳۹۴). بحران سوریه: بررسی انگیزه‌ها، مواضع و آینده کردها، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و نهم، شماره ۱، بهار.
- بصری، محمدعلی؛ محمدی، عطا. (۱۳۹۳). تحلیل مسئله اتمی ایران و غرب در چارچوب نظریه بازی‌ها، دو فصلنامه علمی-پژوهشی دانش سیاسی، سال دهم، شماره ۱، بهار و تابستان.
- بهرامی، قدرت الله. (۱۳۸۶). قومیت‌گرایی در کردستان، فصلنامه حصون، شماره ۱۴، زمستان.
- حاتمی، محمدرضا؛ سانبار، میکائیل. (۱۳۹۶). همه‌پرسی اقلیم کردستان؛ منابع و تنگناهای تشکیل دولت مستقل، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال بیستم، شماره دوم، تابستان.
- درویشی، فرهاد؛ رضانی، ملیحه. (۱۳۸۹). نقطه زینی در نظریه بازی‌ها مطالعه موردی: جنگ ایران و عراق، فصلنامه ژئوپولیتیک، سال ششم، شماره ۳، پاییز.
- دهقانی، رضا. (۱۳۹۴). بازیگران موافق و مخالف ایجاد اقلیم کردستان سوریه، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، قابل دسترسی در: <http://peace-ipsc.org/fa>
- زارعان، احمد. (۱۳۹۲). سنخ‌شناسی شکاف‌های اجتماعی در سوریه، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال چهاردهم، شماره ۴، پیاپی ۵۶، زمستان.
- سیف‌زاده، سید حسین. (۱۳۸۷). نظریه پردازی در روابط بین‌الملل: مبانی و قالبهای فکری، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت.

سیف‌زاده، سید حسین. (۱۳۸۴). نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین‌الملل فردی - جهانی شده: مناسبت و کارآمدی، چاپ اول، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

شجاع، عباس. (۱۳۹۵). دوستی با احتیاط: سیاست خارجی روسیه در قبال کردها، سایت ایراس، قابل دسترسی در: www.iras.ir/fa/doc/note/1830

صادقی، سیدشمس الدین؛ اخوان کاظمی، مسعود؛ لطفی، کامران. (۱۳۹۴). بحران سوریه و مناقشه ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال چهارم، شماره ۱۶، زمستان.

صادقی، سیدشمس الدین؛ رحیمی، احمد. (۱۳۹۶). دیاسپورای کرد و نقش منافع ژئوپولیتیک در تحول راهبرد ترکیه نسبت به کردهای عراق و سوریه (۱۳۹۵-۱۳۸۲)، فصلنامه سیاست، دوره ۴۷، شماره دوم، تابستان.

طاہر خانی، ستاره. (۱۳۹۱). درآمدی بر نظریه بازی‌ها، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، شماره ۱، بهار.

عابدی، عقیقه. (۱۳۹۴). رویکرد روسیه به کردهای خاورمیانه و پیامدهای آن، مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، گزارش شماره ۱۴۶، اسفند.

فیلیس، دیوید لاورنس. (۱۳۹۵). بهار کردی نقشه جدید خاورمیانه، مترجم آزاد حاجی‌آقایی، چاپ اول، تهران: انتشارات امان سخن.

کرمی، جهانگیر؛ نوری، علی‌رضا. (۱۳۹۱). روسیه، تحولات عربی و «چالش سیستمی» در خاورمیانه، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، دوره ۱۸، شماره ۷۸، تابستان.

کندال، عصمت شریف وانلی؛ نازدار، مصطفی. (۱۳۷۹). کردها، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران: روزبهان.

مرادی، اسکندر؛ صبوری، ضیال‌الدین؛ خاکی، شیلان؛ جوانمردی، عبدالمطلب. (۱۳۹۴). امکان‌سنجی شکل‌گیری اقلیم کردی در شمال سوریه. فصلنامه سیاست جهانی، دوره چهارم، شماره چهارم، زمستان.

موسوی، سید حسین. (۱۳۹۰). گذری بر مبانی اجتماعی تحولات سوریه، فصلنامه رهنامه سیاستگذاری، سال دوم، شماره دوم، تابستان.

نصری، قدیر و سلیمی، آرمان. (۱۳۹۳). *کردهای سوریه: الگوی سنجش وزن اقلیت، فصلنامه روابط خارجی*، سال ششم، شماره دوم، تابستان.
یلدز، کریم. (۱۳۹۰). *کردهای سوریه ملت فراموش شده*، ترجمه محمد خوشناو قاضی، کتاب الکترونیکی.

(ب) منابع انگلیسی

Cherif Vanly, Ismet. (2015). **The Kurds: A Contemporary Overview**, Oxford: Rutledge.

Delanoë, Igor. (2015). *The Kurds: A Channel of Russian Influence in the Middle East?*, **Institut Francais des Relations Internationales (IFRI)**, June 2015.

Human Rights Watch. (October 2016). **Syria: the Silenced Kurds**, Vol. 8, No. 4(E).

Lucas, Scott. (2015). *The Effects of Russian Intervention in the Syria Crisis*, **Research Paper, University of Birmingham**, December 2015.

McDowall, David. (2010). **A Modern History of the Kurds**, London: I. B. Tauris.

Nicholason, Michael. (2013). **Rationality and the Analysis of International Conflict**, Cambridge: Cambridge University Press.

Schinis, Alexander. (2017). *Russia is Playing 'Good Cop, Bad Cop' with Syria's Kurds*, **Middle East Eye**, Sunday 19 November 2017.

Stepanova, Ekaterina. (2016). *Russia's Policy on Syria After the Start of Military Engagement*, **Ponars Eurasia Policy Memo**, No. 421, February 2016.

Synder, Xander. (2017). *What Russia's Middle East Strategy is Really About?*, **Geopolitical Features**, Oct. 11, 2017.

Taştekin, Fehim. (2017). *Syrian Kurds move closer to Russia*, **Al-Monitor**, December 7.

Wickett, Xenia; Parakilas, Jacob. (2016). *Transatlantic Rifts: Averting Turkey/Russia Conflict*, **Chatham House Research Paper**, August 2016.

Yildiz, K.(2014). **The Kurds in Syria the Forgotten People**, London: Plato Press.